نوستالژی

تهرانی‌های قدیم چگونه خود را از سرما و گرما محافظت می‌کردند

کرسی‌های زمستانی سردابه‌های تابستانی

آریاشیروانی

■ تهرانی‌های قدیم برای محافظت از گرما و سرما برای خود وسایل خاصی فراهم کرده بودند. به طوری‌که در تابستان طاقت‌فرسای تهران به وسیله زیرزمین‌ها، سردابه‌ها (زیرزمینی در عمق هشت تا ۱۰ متری که در بعضی از آنها آب رشته قناتی از آن عبور می‌کرد)، هشتی‌ها (اتاقی در زاویه دو ردیف ساختمان خانه با سقفی بلند و دور از نور و تابش خورشید، جهت خواب و استراحت)، دالان‌ها و مسیر بادگیرها که تقریبا در همه خانه‌ها تعبیه شده بود، گرما را از خود دور می‌کردند و هنگام بیرون رفتن از خانه با خود بادبزن‌های حصیری به همراه داشتند یا پای شیرهای آب‌انبارها در گذرها یا حوض‌خانه‌ها و چاله حوض حمام‌ها و استخرهای باغات، خود را غوطه‌ور و شنا می‌کردند و شب‌ها به هنگام خواب، روی پشت‌بام‌های خنک کاهگلی رفته و استراحت می‌کردند. اما در زمستان‌ها از کرسی برای خانه و منقل برای دکان‌ها استفاده می‌شد.

کرسی

کرسی، چهار پایه بزرگی از چوب است که در زیر آن منقلی قرار دارد و لحاف بسیار بزرگی روی آن می‌نهند، تهرانی‌های قدیمی علاوه بر لحاف، جاجیم و چادر شب سفید را برای تزیین کرسی استفاده می‌کردند که به تناسب کوچکی و بزرگی کرسی مجمعه‌ای مسی برای قرار دادن چراغ یا سماور و مثل آن رویش گذاشته و اطرافش را با پشتی می‌آراستند. معمولا در خانه‌های تهرانی‌ها یک کرسی دم‌دستی برای اهل خانواده و یک کرسی برای میهمانان در اتاق پذیرایی موجود بود که هنگام بیداری پاها را در زیرش می‌گذاشتند و به پشتی‌ها تکیه می‌دادند و موقع خواب متکا می‌گذاشتند و می‌خوابیدند. تشک پای کرسی کوتاه‌تر اما پهن‌تر از تشک خواب دوخته می‌شد، در اندازه‌ای که فقط پایه و پهنای کرسی را اندازه شود. در آن زمان‌ها برای گذاشتن کرسی باید به سعدونحس بودن ساعات توجه می‌کردند و همچنین بزرگ خانواده در آن شب باید با پاکتی شیرینی وارد خانه بشود. همچنین جای نشستن افراد در کنار کرسی به نقش‌شان در خانواده مربوط می‌شد. معمولا جایگاه بزرگسال‌ترین فرد خانواده آن پله‌ای بود که دورترین فاصله را در اتاق داشت.

منقل

منقل که برای گرم کردن کرسی از آن استفاده می‌شد خاکستر الک‌شده در آن می‌ریختند و روی آنکه وسطش بود، گود می‌کردند و خاک زغال را درون آن ریخته و آتش زغال را باد می‌زدند تا جایی‌که آتش به خاکستر زغال می‌رسید و به صورت ملایم با کفگیر رویش خاکستر می‌پوشانیدند و خاکسترهای اطراف را دور می‌کردند. منقل را یک ساعتی در فضای آزاد می‌گذاشتند تا بوی زغالش از بین برود، سپس در زیر کرسی قرار می‌دادند و هر چند ساعت یک‌بار لایه‌ای از رویش پس زده و آتش آن را تند می‌کردند.

چاله کرسی

بعد از منقل، از وسیله‌ای به نام چاله کرسی استفاده می‌کردند که ساخته شده از حلبی یا آهن ورق یا مفرق به اشکال گرد و هشت ترک بود که برای گرم کردن کرسی از آن استفاده می‌کردند. وجه تسمیه آن به چاله کرسی، به دلیل چاله‌ای بود که وسط اتاق کنده شده بود و دورش را گچ کشیده بودند که آتش را درست کرده و کرسی را رویش برمی‌گرداندند. اصطلاح «برمی‌گرداندند» هم از آن جهت بود که موقع آتش کردن لازم بود تا کرسی را از روی زمین برگردانده که دسترسی به چاله کرسی آسان‌تر شود.

معمولا چاله کرسی را خانواده‌های فقیر درست می‌کردند تا پول برای منقل ندهند و حتی برای غذا درست کردن از چاله کرسی استفاده می‌کردند.

هیزم

از دیگر وسیله‌هایی که تهرانی‌ها با آن خود را گرم می‌کردند، هیزم بود که علاوه بر اجاق و پخت و پز برای گرم کردن آب حمام‌ها و پخت نانوایی‌های تافتونی، لواشی و مانند آن مورد استفاده قرار می‌گرفت. قیمت هر خروار هیزم جنگلی سه تا پنج قران بود که الاغ‌هایی بودند که هیزم‌ها را حمل می‌کردند و هیزم‌شکن‌ها با تبری که روی دوش‌شان بود به دور کوچه و گذرها می‌گشتند و فریاد می‌کشیدند و هیزم می‌فروختند. هیزم‌شکنی هم مانند قصاب‌های نذری که پوست و روده و تکه‌ای از گوشت علاوه بر اجرت با خود می‌بردند، آنان نیز علاوه بر مزد، بزرگ‌ترین تکه هیزم که از تنه درخت بود، به نام زیرتبری اختیار کرده و با خود می‌بردند.

شکار در تهران قدیم

شاه‌تهماسب، اولین شکارچی سلطنتی

فرزانه نیکروح‌متین

گستره تهران به دلیل قرار گرفتنش در کوه‌های شمیران در رشته‌کوه البرز، همیشه جانوران گوناگونی را در خود جای داده است تا آنجا که سابقه شکار حیوانات به وسیله انسان در این شهر برابر است با پیشینه سکونت انسان در این محل. اولین شاهی که به تهران به عنوان یک مرکز شکار توجه کرد، شاه تهماسب صفوی بود که تهران را به عنوان مناسب‌ترین محل برای شکار خود انتخاب و در نهایت فرمان ساخت حصار برای این شهر را صادر کرد که منطقه سرخه‌حصار از شکارگاه‌های آن دوران است.

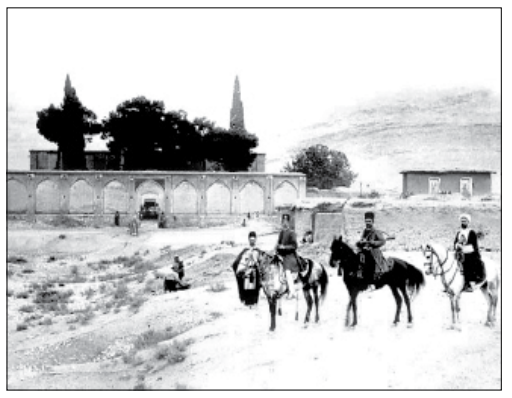

شکارگاه‌های سلطنتی در دارالخلافه

با استقرار سلطنت قاجاریه، تمامی اطراف تهران آن روزگار که حصار صفوی نام داشت به حصار ناصری تبدیل شد و شکارگاه‌های سلطنتی نام گرفت و به قرق ماموران دربار درآمد؛ تا قبل از آن شکار حیوانات برای همه مردم در این مناطق آزاد بود.

دوشان‌تپه، فرح‌آباد، مسگرآباد، سلطنت‌آباد، دولاب، سرخه‌حصار، ولنجک، آبادی‌های شمیران، جاجرود، شهرستانک، ورامین، کن و سولقان همگی از شکارگاه‌های سلطنتی به شمار می‌رفتند که نام آنها بارها در اسناد قاجاری به میان آمده است. در واقع می‌توان گفت تمام بیابان‌ها و کوهستان‌های اطراف پایتخت در قرق سلطنت بود مگر مسیر و حوالی امامزاده‌ها و سایر اماکن متبرک به دلیل رفت‌وآمد بسیار مردم و حرمت امامزاده سبب شده بود که در آن مناطق شکار وجود نداشته باشد.

قدمت شکارگاه‌های تهران با شروع سلطنت و پادشاهی آغامحمدخان قاجار آغاز شد. با این حال هیچ سندی از رفتن وی به شکار وجود ندارد، چراکه با توجه به جنگ‌ها و خونریزی‌هایی که به راه انداخته بود، اصلا فرصت رفتن به شکارگاه هم نداشت و با روی کار آمدن فتحعلی‌شاه، وی گاهی برای رفع خستگی هوس شکار می‌کرد، به اطراف تهران برای شکار سرک می‌کشید. جاجرود از شکارگاه‌هایی بود که به دستور وی ساخته شد و عمارت کاروانسرایی نیز در آنجا قرار گرفت تا هنگام شکار در آن حوالی توقفگاهی برای استراحت داشته باشند. در مورد محمدشاه به دلیل کسالت و دوران کوتاه پادشاهی، با اینکه شکار از سرگرمی‌های وی به شمار می‌رفت، چیز زیادی در تاریخ ثبت نشده است، اما بیشترین اسناد قاجاریه که در آن از شکار پادشاهان قجری سخن به میان آمده، ناصرالدین‌شاه است؛ پادشاهی که طولانی‌ترین دوران سلطنت را در تهران داشت. وی به شکار اهمیت بسیار فراوانی می‌داد و تقریبا تمامی اطراف تهران را تبدیل به شکارگاه‌های سلطنتی کرده بود و حتی گاهی در برخی از کتب آن دوره به صورت اغراق‌آمیز آمده بود که ناصرالدین‌شاه در تیراندازی اولین شخص دنیاست که از هزار و ۵۰۰ قدمی بارها شکار کرده است. در اواخر قاجاریه و با شروع نهضت مشروطیت و درگیری محمدعلی‌شاه با مبارزات آزادی‌خواهان و جنگ جهانی اول باعث شد شکار سلطنتی آن جلوه و شکوه سابق خود را نداشته باشد؛ با این حال در میان برخی از رجال در آن دوران هم طرفدار داشت و حتی خود احمدشاه نیز علاقه‌مند به شکار بود که به دلیل وضعیت نابسامان آن زمان، در اسناد اواخر سلطنت قاجاریه از شکارهای سلطنتی نام برده نشده است. بعد از پیروزی مشروطیت، دولت بر شکار نظارت داشت و بعد از کودتای ۱۲۹۹ و با روی کار آمدن کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی و طبق اعلامیه رسمی دولت، داشتن اسلحه شکاری منوط به اخذ جواز از نظمیه شد.

آیین شکار سلطنتی

شیوه شکار در تهران قدیم به صورت تیراندازی سواره یا پیاده بود که مایه تعجب و تحسین اروپاییان قرار گرفته بود و آنان از مهارت‌های رجال‌های ایرانی در تیراندازی و کشتن شکار هنگام سواری بسیار یاد کرده‌اند. طریق دیگری هم که تهرانی‌ها برای شکار استفاده می‌کردند به وسیله پرندگانی مانند قوش و شنقار بود. در تهران قدیم افرادی بودند که حرفه آنها تربیت پرندگان شکاری بود که به آنها قوش‌ساز می‌گفتند از جمله: تیمور میرزا، پسر فرمانفرما و دو پسرش عالم‌شاه میرزا و مسرورالسلطنه که به همین سبب بسیار مورد توجه ناصرالدین‌شاه قرار داشتند. در آن دوران هیچ‌کدام از شکارگاه‌ها شکاربان نداشت زیرا با وجود کیفر اعدام که شاهان قاجار به راحتی صادر می‌کردند، به طور قطع منصب شکاربانی نیاز نبود.

آیین شکار که در زمان ناصری به خود رنگ تازه‌ای گرفت، طبق نوشته دکتر پولاک، طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه این‌گونه بود: «مهم‌ترین شکار سلطنتی، سالی یک‌بار اوایل دی‌ماه در دره جاجرود در روزی معین انجام می‌گرفت که چند تیر توپ به عنوان علامت آتش زده می‌شد و بلافاصله نیمی از سکنه آن ناحیه آنجا را تخلیه می‌کردند.»

توقف در شکارگاه به طور متوسط یک هفته طول می‌کشید و هر روز با شلیک توپ علامتی داده می‌شد. هنگام صبح چند نفر شاعر موقع صرف چاشت، شعر قرائت می‌کردند، سپس شکار آغاز می‌شد. بعد از شکار، سربازان حیوان‌های صیدشده را به شاه، صاحب‌منصبان حاضر و حتی سفارتخانه‌های اروپایی ارسال می‌کردند. تفریح شاه در شب بازی شطرنج بود و گاهی هم در آخر شب‌ها دو شتر نر مست برای جنگ به جان هم انداخته می‌شدند.

برگرفته از کتاب برگ‌هایی از تاریخ تهران

برگی از تاریخ

نظر تهرانی‌های قدیم در مورد سیاست

کار، کار انگلیسی‌هاست

■ می‌گویند اکثر تهرانی‌های قدیم درباره سیاست همه یک نظر را داشتند و معتقد بودند هر اتفاقی در هر جا و هر نقطه از روی زمین پیش آید، چه خوب و چه بد، دست انگلیسی‌ها در آن دخالت داشته است. حتی می‌گفتند دعوا و نزاع بین زن و شوهر هم کار انگلیسی‌هاست و دلیلش این است که اگر انگلیسی‌ها، حریر، اطلس کربدوشین و مانند آن برای زنان اعیان و اشراف به ایران وارد نمی‌کردند و به رخ زنان فقیر بیچاره نمی‌کشیدند، زنان به یقه شوهران‌شان نمی‌چسبیدند و دعوا و مرافعه درست نمی‌شد. حتی می‌گفتند نه تنها شاه و وزیر، بلکه کدخدای هیچ آبادی بدون نظر انگلیسی‌ها نمی‌تواند، عوض شود. البته درباره سیاست روس، انگلیس و آمریکا وجه تمایزی نیز قایل می‌شدند که اعتقاد داشتند انگلیسی‌ها سر را با پنبه می‌برند، روس‌ها با الدرم بلدرم و ایجاد ترس و فشار و آمریکا با دانه پاشیدن و دهان شیرین‌کردن. در واقع اعتقاد تهرانی‌ها این بود که هرگاه در نقطه‌ای دیده یا شنیده شود که کودتا و تاخت و تاز شده همراه با حبس، غارت و مصادره روس‌ها در آن دست داشته‌اند، هرگاه چنین امری با قتل و کشتار، همراه با فراوانی پول، فحشا، فساد، آزادی کاذب توام بود کار آمریکایی‌ها بوده و هر آینه بی‌سروصدا و بدون خونریزی و مورد پسند عوام صورت می‌گرفت، یقین پیدا می‌کردند که انگلیسی‌ها آن را ترتیب داده‌اند. در جهت سیاست مملکتی نیز معتقد بودند که احمدشاه با دربار، وزرا و مجلس به همین شکل، وضع و قیافه در انگلستان درست شده همه‌روزه شاه به صندلی می‌نشیند و درباریان شرفیاب شده و گفت و شنود و سوال و جواب می‌کنند. در نتیجه انگلیس را به همان‌گونه که می‌گفتند آفتاب در جایی از روی زمین طلوع و غروب نمی‌کند که جزو مستعمرات انگلیسی‌ها نباشد. انگلیس را سردمدار و پادشاه کل روی زمین می‌دانستند و بیان می‌داشتند پترکبیر، پادشاهان چین، روم و فرانسه را نیز انگلیسی‌ها بر سر کار آورده و فقط کار مردم انگلیس آن است که بنشینند برای مردم دنیا نقشه کشیده و به نفع خود خوب و بد را طرح کنند. البته عده‌ای اندکی از تهرانی عقیده داشتند که هرکس عرضه داشته باشد به هر کاری دست زند، توفیق می‌یابد و درباره انگلیسی‌ها این گناه که دزد هستند را قبول نداشتند و می‌گفتند گناه صاحب‌مال و صاحب‌خانه است که لیاقت نداشته مال و خانه‌شان را حفظ کنند و در آن زمان که بسیاری از ایرانی‌ها فکر تریاک، درویشی و قلندری بودند، انگلیسی‌ها به فکر تحقیق و تجسس در مورد ذخایر و گنج‌های زیرزمینی و روی‌زمینی ایران بودند.

اولین قانون شرایط کافه‌ها در تهران

با روی کار آمدن رضاخان و فروپاشی سلطنت قاجاریه، بسیاری از مشکلاتی که پایتخت ایران داشت با اخذ قوانین و استفاده از نظرات مشاوران خارجی تا حدی برطرف شد؛ از جمله قانون راهنمایی و رانندگی، قانون کارگر و کارفرما، اعزام محصل به اروپا، قوانین ازدواج دوم، طلاق، مقررات مربوط به کافه، قهوه‌خانه و رستوران و... . در اینجا به ذکر مقرراتی که در سال ۱۳۰۷ درباره تاسیس قهوه‌خانه‌ها و رستوران وضع شده است، می‌پردازیم.

مقررات تاسیس کافه و قهوه‌خانه در تهران

بنای کافه:

- کافه و قهوه‌خانه یکی است.

- در کافه یا قهوه‌خانه هر چند عدد که باشد باید از کف تا سه چارک قاب‌سازی و از آن به بالا تمام شیشه باشد.

- سقف دیوار باید سفید باشد و وجود نقش‌هایی از قبیل دیو و اژدها، شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون، رستم و گیو و غیره در آن اکیدا ممنوع است. نباید کتیبه یا سکوی نشیمن داشته باشد.

- کف قهوه‌خانه لااقل باید با آجر فرش شود.

شرایط تاسیس قهوه‌خانه یا کافه

- هر قهوه‌خانه باید به قدر گنجایش مکان، دارای میزهای چهار نفری چوبی یا آهنی رنگ‌شده داشته باشد.

- روی هر میز لااقل یک عدد ظرف جای خاکستر سیگار باشد.

- همه روزه باید در موقع افتتاح قدری خاک اره در کف قهوه‌خانه بگسترند

- در هر قهوه‌خانه باید چندین ظرف مخصوص جهت دفع آب دهان به فواصل معین موجود باشد.

- هیچ‌گونه اثاثیه از قبیل سماور، لامپ، لوله و منقل و غیره نباید در منظر مشتری گذارده شود.

- ظرف آب‌خوری باید بلور یا کاشی باشد و استعمال آب‌خوری سفالی ممنوع است.

اجناس قهوه‌خانه

اجناس قهوه‌خانه عبارتند از: چای، شکلات، شیر، شربت، بستنی، نان‌های شیرین، فالوده، لیموناد، نان کره، پنیر، خامه، سرشیر، عسل، سیگار، قلیان و چپق.

حدود و وظایف

- قهوه‌چی می‌تواند در حدود مقرره خود به خارج چای و غیره بفروشد.

- قهوه‌چی مسوول نظافت، حفظ مکان، تمامی اثاثیه و اجزای قهوه‌خانه است.

- شاگرد قهوه‌خانه باید همیشه در موقع خدمت پیراهن سفید بلند یا پیش‌بند سفید به تن داشته باشد.

- فریاد کردن به اینکه ... چای را بیاور به فلان منطقه یا مثلا قلیان را ببر به فلان مکان ممنوع است.

- نقالی و سخنوری، حقه‌بازی و پرده آویختن و ورود گدا و درویش، سینی‌گردان در قهوه‌خانه اکیدا ممنوع است.

- داشتن لحاف تشک در قهوه‌خانه جهت کرایه دادن اعم از شهر یا در خارج از شهر اکیدا ممنوع است.

دستورالعمل بنای رستوران

- رستوران غیر از هتل و مهمان‌خانه است.

- سقف و دیوار باید قاب یا لااقل سفید باشد و نقش صور غیرموزون در آن اکیدا ممنوع است.

- کف رستوران لااقل باید با آجر شمش مفروش شود.

- رستوران باید سکویی برای نشیمن داشته باشد.

- هر رستورانی باید یک آبدارخانه و یک مطبخ به طور مجزا داشته باشد.

- رستوران باید دارای مخرج آب‌خورده بوده به طوری که همیشه هوای آنجا قابل استنشاق باشد.

شرایط تاسیس رستوران

- رستوران باید به قدر گنجایش مکان دارای میزهای (چهار نفری و دو نفری چوبی یا حصیری بوده همچنین یک یا چند بوفه جهت گذاردن شربت و شیرینی برای ارایه به مشتری باشد.

- روی هر میز حتما باید رومیزی سفید انداخته و لااقل یک ظرف جای خاکستر سیگار، یک جای کبریت، یک تنگ بلور آب و یک گیلاس موجود باشد.

- استعمال تغار، کوزه جهت منبع آب اکیدا ممنوع و ظروف منبع آب آهن مخصوص دارای شیر باشد و استعمال ظروف سفالی اکیدا ممنوع است.

اجناس رستوران

به استثنای فالوده، مطبوخ لیمو، مطبوخ دارچین، تهیه هر قسم اغذیه و اشربه در رستوران آزاد است. پیشخدمت باید همیشه لباس تمیز به تن داشته و سفید باشد. غذا خوردن با دست و همچنین اشتراک در ظرف اکیدا ممنوع است اعم از شهر یا حوزه بلدی. رستوران نباید مکان خواب و توقف شبانه‌روزی داشته باشد.

این دستورالعمل توسط کفیل بلدیه- سرتیپ بوذرجمهر امضا شده است.

جدول ۱۲۵۵

افقی:

۱- فرستاده خدا- اثر کارلو کلودی- چوبی نوک تیز برای راندن حیوان ۲- از شهرهای چین- اثر ژرژ سیمنون- رنگ طلایی ۳- پادشاهان- جمله قرآنی- زن پادشاه ۴ - کجاست؟- زینت کردن- ستیز با سخنان درشت ۵- نویسنده تخیلی فرانسه- برادر- از الفبای فارسی - گریزحیوان ۶- بیشتر صندلی‌ها دارند- جست‌وجو کردن، تفحص نمودن- آب بازی ۷- عاقل، فهمیده- رسانا- آزاد و رها ۸- کوچک‌ترین کشور شمال آفریقا- جوهرخوشنویسی ۹- مرغابی- شمشیر بازی- زبان تازی ۱۰- خط کش بیگانه- محاکمه- سیماب ۱۱- حرف تعجب- سقف خانه- صبر زرد- از امپراتوری‌های باستان ۱۲- زاد روز- ساکنین قطب شمال- اثر چربی ۱۳- خاتم- ماه فوتبالی- یکتا ۱۴- از الفبای فارسی- اسمی دخترانه- جوهر گل ۱۵- پول ژاپن- سدی در استان گیلان- پیشکش

عمودی:

۱- این حیوان به ابواعمی مشهور است- شرافت ۲- سطح- داخل شدن- جلو دارها ۳- قسمت، بهره- جمع نکته- شب ۴- خواب کودکانه- کر نیست- پسوند مراقبت ۵- نامی دخترانه- بسته شدن- کلام تنفر ۶- رودی در خراسان- از سیستم‌های تلویزیونی- رشته‌ای در شیمی ۷- سوره سی و ششم- پرسش- رفوزه- لوله گیاهی ۸- منفی- ادیتور ۹- سنگین- یک عامیانه- راه، روش- بازی که نفس بسیار می‌خواهد ۱۰- کشور دو تکه- دوستی و محبت- نوعی اسباب بازی ۱۱- هالوژن نمک طعام- آونگ- محو کردن ۱۲- خراسان قدیم- تیر پیکاندار- وزیر افراسیاب ۱۳- شهری در افغانستان- لاستیک ماشین- انصاف ۱۴- از بنیان‌گذاران کشور متعهد- داستان کوتاه- گیاه مرداب ۱۵- کشوری در قاره کهن- همخوان

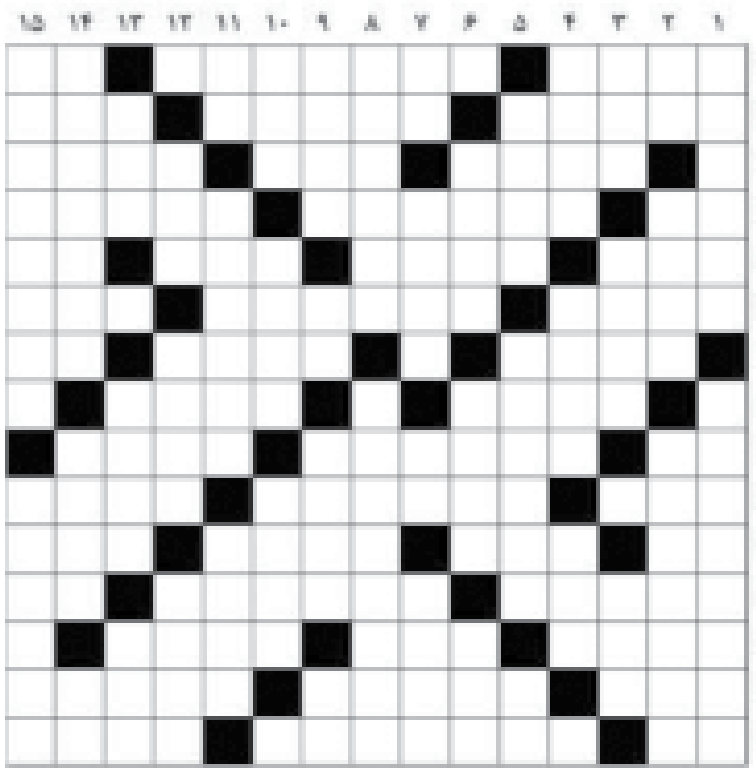

حل جدول ۱۲۵۴

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۲۶۳

۷		۶	۹					۲
			۸		۶	۳		۵
۵	۳		۲			۸		
۱	۲		۵			۹		
			۱	۴				۸
				۸		۷		
	۶			۹				۴
۹	۱		۴					
۴		۳		۲				

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۲۶۲

۹	۶	۴	۸	۷	۱	۵	۲	۳
۲	۷	۱	۵	۳	۹	۶	۸	۴
۳	۸	۵	۲	۴	۶	۱	۹	۷
۱	۲	۹	۴	۵	۷	۸	۳	۶
۸	۴	۶	۳	۹	۲	۷	۵	۱
۷	۵	۳	۶	۲	۸	۹	۴	۲
۴	۳	۸	۷	۶	۵	۲	۱	۹
۵	۱	۷	۹	۲	۴	۳	۶	۸
۶	۹	۲	۱	۸	۳	۴	۷	۵